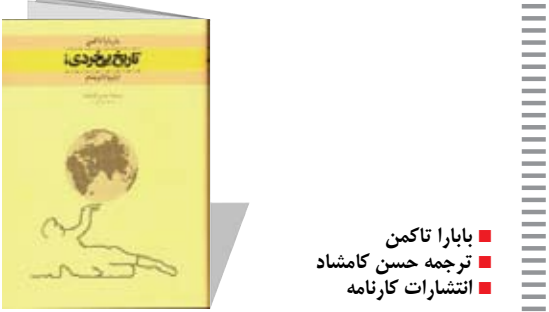


کتاب اندیشه

تاریخ بی‌خردی

از تروا تا ویتنام



- بابارا تاکمن
- ترجمه حسن کامشاد
- انتشارات کارنامه

این کتاب با دستمایه قرار دادن برخی رخداد‌های معروف تاریخ جهان از عهد باستان تا امروز سعی کرده است به نقد رفتار حاکمان در مواجهه با این رخداد‌ها بپردازد.

نویسنده معتقد است چهار عامل سبب سوء حکومت‌ها می‌شوند؛ «استبداد یا ظلم و فشار»، «جاه‌طلبی بیش از حد»، «بی‌کفایتی یا انحطاط» و «بی‌خردی یا اصرار در کژاندیشی» و در کتاب خود به برخی مواجهات اهل سیاست از منظر چهارم که همان بی‌خردی است پرداخته است.

نکته قابل اعتنا در نگاه نویسنده ذاتی بودن بی‌خردی در اهل سیاست است که کمتر کسی به آن توجه کرده است. به این معنا که این گونه بی‌خردی‌ها نتیجه نوعی اخلاق است که تنها در قدرت شکل می‌گیرد و وی بی‌خردی را بخشی از فطرت بشری می‌داند و بسیاری از کارهای بی‌خرदानه سیاسی را ناشی از نوعی بی‌توجهی ذاتی می‌شمارد.

«تاریخ بی‌خردی : از تروا تا ویتنام» دارای ۵ فصل با عناوین زیر است: پیگیری سیاست‌های مغایر با منافع خویش، نمونه‌های آغازین: است تروا، پاپ‌های رنسانس و جدا شدن پروتستان‌ها، بریتانیا آمریکا را از دست می‌دهد و آمریکا در ویتنام به خود خیانت می‌کند.

این اثر اوایل دهه هفتاد با عنوان«سیر نابخردی از تروا تا ویتنام» از سوی انتشارات فرزان روز به بازار کتاب عرضه شده بود اما در چاپ تازه ناشر و مترجم ضمن بازنگری کامل در برگردان فارسی برخی ویژگی‌های مثبت را به کتاب اضافه کرده‌اند.

فرارو

نظریه سیاسی



کتاب «نظریه سیاسی» با گردآوری پل شوماخر از سوی انتشارات ویلی بلکول منتشر شد.

به گزارش مهر، نویسنده بر اساس مسائل نظریه‌های مهم در فلسفه سیاسی گذشته به بررسی موضوعات مطرح در نظریه‌های سیاسی معاصر می‌پردازد.

این کتاب خواننده را قادر می‌سازد تا قرائت‌های گوناگون به یک موضوع را مورد توجه قرار دهد و از رهگذر آن بتواند در میان

رویکردهای گوناگون انتخابی عقلانی داشته باشد.

پل اشتراوس در این کتاب مقاله‌ای با عنوان «فلسفه سیاسی چیست؟ را به نگارش در آورده است. ایدئولوژی سیاسی، فلسفه عمومی جدید و قدیم آمریکا، بازسازی کثرت‌گرایی سیاسی از جمله موضوعاتی هستند که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

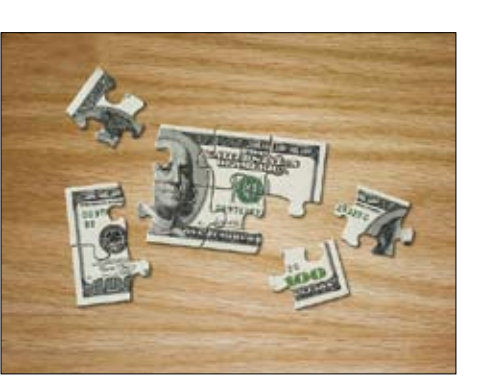
ویلیام کانلی مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر کثرت‌گرایی» دارد. در بخش دیگر این ایدئولوژی‌های سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و آرای فیلسوفانی چون جان لاک، ادموند برک، کارل مارکس، فردریک انگلس و اما گولدمن بررسی شده‌اند.

در بخش دیگری این کتاب ایدئولوژی‌های سیاسی در قرن بیستم از جمله فاشیسم، لیبرالیسم و محافظه کاری مورد بحث قرار گرفته است.

جستار

در آمدی بر اقتصاد علم

مبانی نظری



آرش موسوی

انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

این کتاب مروری نقادانه بر آن دسته از مکاتب و نحله‌های فکری است که روی‌هم‌رفته قلمرو نوظهور «اقتصاد علم» را در خلال نیم قرن اخیر در ادبیات جهانی به وجود آورده‌اند.

نگاه به علم به مثابه کالای عمومی، تلقی علم همچون نهادی اجتماعی و تلقی آن در هیأت یک شبکه اقتصادی – اجتماعی سه مکتب عمده در اقتصاد علم هستند که هر کدام از این مکاتب از طریق تمرکز بر مهمترین چهره‌ها و آثار کلیدی آنها در کتاب بازخوانی شده و تقد‌های وارد بر هر یک، به بحث گذاشته می‌شوند.
بحث پیرامون مسائل اصلی و محوری در اقتصاد علم، سپس با نگاه به مجموعه‌ای از مقولات ویژه که در مرز میان اقتصاد علم و سایر شاخه‌های اقتصاد دانش به طور کلی قرار دارند، تکمیل می‌شود.

اندیشه

کاربران زبان بریکدیگر یاری می‌دهد. من و شما به عنوان کاربران زبان، چگونه همدیگر را درک می‌کنیم و به چه میزان این فهم متقابل محقق می‌شود؟ اولین و مهم ترین عامل در فهم پذیری بین من و شما بوسیله زبان یا به عبارت تخصصی تر، گفتمان رخ می‌دهد و بر این اساس میزان فهم پذیری بین ما، بستگی به میزان تأثیر گفتمان هر یک از ما بر دیگری دارد. نکته قابل توجه این است که: هر چه زبان ما تأثیرگذارتر باشد برد ما در معاملات اجتماعی و در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و غیره افزایش می‌یابد. حتی اگر اسناد و مدارک محکمه پسند هم داشته باشیم ولی در مورد آنها نتوانیم ماهرانه توضیح دهیم با باختی غیر عادلانه و یا در حالت خوشبینانه با بردی نه به میزان حتمان مواجه می‌شویم.

انسان در مقایسه با دیگر موجودات زنده که قادر به بکارگیری وسیله ارتباطی هستند، مخلوقی است که می‌تواند به اراده خود و براساس خلاقیت و میزان مهارتش، از زبان ارتباطی اش برای اجرای مقاصد و نیایش استفاده نماید. هر چه تأثیر زبان ارتباطی بین انسانها بر روی روابط و زندگی شخصی و حرفه ای شان بیشتر شود، هدف کسب مهارت در بکارگیری زبان در جهت منفعت شخصی و حرفه‌ای افراد نیز افزایش می‌یابد. موضوع مورد طرح تاکنون از دید متخصصان رشته‌های جامعه شناسی و جامعه شناسی زبان، روانشناسی و روانشناسی زبان، مردم شناسی، مدیریت و بازاریابی، روابط عمومی و دیگر رشته‌هایی که به نوعی به این موضوع مرتبط می‌باشند، دور مانده است و براساس تئوریه‌ها و نظریات به ثبت رسیده، در جوامع معتبر علمی الگوهایی نیز طرح‌ریزی گردیده است اما تکلیف ما مخاطبان زبان به عنوان افرادی که در مقابل حجم بسیار زیادی از مهارت‌های ارتباطی و زبانی بکار گرفته شده، قرار می‌گیریم چیست؟ بر چه اساس و بر پایه چه الگو یا الگوهایی، گفتمان دریافتی را ارزیابی کنیم؟ نکات فوق نشانگر این نکته است که ضرورت دارد متخصصان و اندیشمندان رشته‌های مرتبط با این موضوع، شیوه‌ای را برای تحلیل گفتمان فراهم نمایند تا مخاطبان، فهم عمیق تری را در این زمینه بدست آورند و یا حداقل به راحتی طعمه بازاریابان ماهر نگردند.



دنبال ابطلان نظریه رفتن و در علم باید اینگونه باشیم. او نقد را متوجه نظریه می‌کند بر خلاف دیگران که متوجه عالم خارج می‌کردند. پاپر حد اعلائی اثبات گرایان این چنین انتقاد وارد می‌کرد که شما می‌گویید گزاره‌ای معنادار است که بتوان آن را با روش تجربی اثبات کرد. خود این جمله را چگونه می‌شود با روش تجربی اثبات کرد؟ بنابراین خود این حکم بی معناست و این نمی‌تواند یک معیار مناسب برای علمی بودن گزاره‌ها باشد. پاپر برخلاف اثبات‌گرایایی که به حکم به بی معنا بودن گزاره‌های دیگر در حوزه‌های معرفتی چون اخلاق، هنر، متافیزیک و فلسفه می‌دادند با زیرکی تمام تلاش می‌کرد معنادار را بی‌معنا نکند بلکه فقط حکم به غیر علمی بودن این حوزه‌ها می‌کرد.

البته این نظر، یعنی غیر علمی قلمداد کردن معارف دیگر که الزاماً تجربی نیستند، به عبارت دیگر ملاک روش تجربی برای ا ترسیم مرز علم و غیرعلم، تبعات مهمی داشت که در نشست نخست این همایش مورد بررسی قرار گرفت.

● **حد اعلائی گفتمان علمی در نظرگاه پاپر**
پاپر در ادامه نظریه‌اش این را هم بیان می‌دارد که اگر ادعا و حدسی دانشمند یک فرضیه یا حدسی را تولید می‌کند که حتماً نباید منبع و ریشه آن حدس در تجربه و مشاهده ابطلان نشد و یا از آزمایشی که به منظور ابطلان طراحی شده سر بلند بیرون آید، ما نمی‌توانیم بگوییم نظریه درست است و دانشمند نباید بر روی نظریه‌اش به این معنا که درست است اتکالی داشته باشد. تنها حکم این است که نظریه ما برآنت شده و نظریه ما فعلاً کاذب نیست. پاپر بیان می‌کرد که گویا یک عدم تقارنی بین اثبات و ابطلان وجود دارد، ابطلان با دبدین یک مشاهده صرف احرازش قطعی است اما اثبات نه، هر چقدر هم مشاهده جزئی داشته باشیم نمی‌توانیم حکم کلی که داده‌ایم اثبات کنیم و برای همین است که این نوع ابطلان گراییه به گونه‌ای با نقد درون علمی همخوانی داشت. پاپر معتقد بود گفتمان علمی مثال بارز انتقاد است و انتقاد یعنی همواره به

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب اندیشه

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

کتاب‌های پیشنهادی

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

کتاب‌های پیشنهادی

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

ماهیت سیاسی اجتماعی زبان

[مژگان صبری]

زبان ارتباطی، عادت رفتاری است که افراد یک جامعه به‌طور مشترک آن را دارند. در این رابطه، واژه تخصصی «گفتمان و یا کلام (discourse)» به عنوان ارتباط نمادین انسانی در بسیاری از اشکالش، خواه مستقیماً از طریق زبان گفتاری یا نوشتاری یا از طریق اشارات، تصاویر، نمودارها، فیلمها یا موسیقی استفاده می‌شود. در این رابطه می‌توان به نقش مهم و همه جانبه زبان به عنوان اصلی‌ترین ابزار ارتباطی اشاره کرد که در تمام حوزه‌های مرتبط با فعالیت‌های انسان چه به صورت مجازی و چه غیر مجازی، نقش محوری دارد. پیتر ترادگیل در کتاب خود تحت عنوان «درآمدی بر زبان و جامعه» به نقش مهم زبان در ارتباطات اجتماعی پرداخته و معتقد است که دو جنبه از رفتار زبانی یعنی کارکرد زبان در برقراری روابط اجتماعی و همچنین نقش زبان در ارائه قرائتی در مورد تکلم، از نظر اجتماعی واجد اهمیت شایانی است. هر دو جنبه رفتار زبانی بازناب‌هایی از این واقعیتند که بین زبان و جامعه همبستگی نزدیکی وجود دارد. زبان وسیله‌ای مهم برای برقراری و حفظ رابطه با مردم است، لذا در جوامع کنونی نفوذ زبان بر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی افزایش یافته و برای مقاصد کردن و تحت نفوذ خود در آوردن افراد و گروه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بر این اساس لازم است که کاربران زبان با دقت نظر بیشتری به این موضوع بپردازند و شیوه‌ای را برای تحلیل گفتمان فراهم نمایند تا فهمی عمیق‌تر در این زمینه به دست آورند.

مسئولاتی که حوزه‌های خاصی از آسیب‌های اجتماعی را بررسی می‌کنند، معتقدند بسیاری ازمشکلات اجتماعی از استفاده غیرعقلانه زبان یا اشکال دیگر برقراری ارتباط بوجود می‌آید و شرایط عکس آن هم قابل تصور است. مواردی را می‌توان یافت که به واسطه تأثیر زبان بر افراد مخاطبین، سود فراوان عاید فرد می‌شود. سؤال قابل بحث این است که چگونه نتایج بسیار مفید و یا بسیار زیانبار می‌تواند تنها از دخالت گفتمان‌ها حاصل شود؟ مورخان، حقوق‌آنان و سیاستمداران به موضوع تأثیر زبان بر افراد جامعه

[فاطمه صابری]

در قرن ۲۰ عرصه علم و معرفت علمی در سیطره دو رویکرد روش‌شناسانه تجربی قرار گرفت که سلاک محسوری و اصیل در تشخیص علم از غیر علم می‌باشند، جریان اثبات‌گرای که معتقد است تنها روش اثباتی، تجربی-حسی از نوع مشاهده است که می‌تواند مبنای علمی و غیر علمی بودن باشند و دیگری ابطلان‌گرای، که قائل به حدس و ابطلان در علم بود؛ و هر دو از پرکاربردترین روش‌های علمی در عرصه علوم طبیعی می‌باشند. «ابطلان‌گرای و اثبات‌گرای» عنوان چهارمین نشست از سلسله نشست‌های درباره علم بود که با حضور امیراحسان کرباسی زاده عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و جناب آقای هادی بیات مجری-کارشناس نشست، در سالن همایش‌های کانون اندیشه جوان برگزار شد.

● **بحران های علمی و شکل‌گیری فلسفه علم**

فلسفه علم به صورت مدون و سیستماتیک در اوایل قرن ۲۰ در پی بحران‌های علمی و دو نظریه مهم در عرصه فیزیک – نظریه نسبیت اینشتین و نظریه مکانیک کوانتومی- که هر دو تصویر جهان را بشدت نزد انسان‌ها دگرگون کرد،به وجود آمد و طبعاً فلاسفه و دانشمندانی که دغدغه فلسفی داشتند به دنبال این بودند که یک جهان بینی منسجم و هماهنگ با این دو نظریه بحران ساز ارائه دهند. این دغدغه‌های ناظر به مبانی علم منجر به شکل‌گیری فلسفه علم شد.

ظهور اثبات‌گرایان

اولین مکتبی که در حوزه فلسفه علم در قرن ۲۰ ظهور پیدا کرد، اثبات‌گرای بود که در اصل، این فیلسوفان اثبات‌گرا ادامه جریان فکری پوزیتیویسم کلاسیک آگوست کنت و تجربه‌گرایان هیومی بودند. نظر هیوم در مورد حصول معرفت این بود که انتظیبات حسی تنها چیزهایی هستند که ما می‌توانیم بر مبنای آنها معارف خود را بسازیم؛ او در قرن ۲۰ مشاهده می‌شود که این سنت فکری توسط افرادی چون شلیک، مآخ

^[1] در قرن ۲۰ عرصه علم و معرفت علمی در سیطره دو رویکرد روش‌شناسانه تجربی قرار گرفت که سلاک محسوری و اصیل در تشخیص علم از غیر علم می‌باشند، جریان اثبات‌گرای که معتقد است تنها روش اثباتی، تجربی-حسی از نوع مشاهده است که می‌تواند مبنای علمی و غیر علمی بودن باشند و دیگری ابطلان‌گرای، که قائل به حدس و ابطلان در علم بود؛ و هر دو از پرکاربردترین روش‌های علمی در عرصه علوم طبیعی می‌باشند

^[2] «ابطلان‌گرای و اثبات‌گرای» عنوان چهارمین نشست از سلسله نشست‌های درباره علم بود که با حضور امیراحسان کرباسی زاده عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و جناب آقای هادی بیات مجری-کارشناس نشست، در سالن همایش‌های کانون اندیشه جوان برگزار شد

^[3] ● بحران های علمی و شکل‌گیری فلسفه علم